# سوره التین

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ**

**وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ (1)**

**وَ طُورِ سِینِینَ (2)**

**وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ (3)**

**لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ (4)**

**ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ (5)**

**إِلاَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ (6)**

**فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ (7)**

**أَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحاکِمِینَ (8)**

**هدف تحقيق**

**با تعمّق در سوره «تین» می‌‌خواهم از قسم‌‌هایی که خداوند متعال در این سوره خورده سر در بیاورم. و این‌که «و التین» در صدد فهم و بیان چیست؟ آیا به خاطر اجزاء و عناصر میوه است یا نماد و سمبلی از پیامبر آن زمان بوده که این میوه روئیده یا مکانی است که آن میوه در آنجا روئیده است؟ آیا هیچ تفسیر عرفانی دیگری در این خصوص موجود است؟ «و الزیتون» در صدد فهماندن چیست؟ «و طور سینین» و آیه «و هذا البلد الامین» حاکی از چیست؟ آیا این قسم‌‌های خداوند ارتباطی با انسان دارد؟ آیا آنها هیچ پیوندی با امام زمان و ظهورش دارند؟ آیا تفسیر دیگری از این آیه وجود دارد؟ از این سوره چه درس‌‌هایی را می‌‌توانیم برای خودمان بگیریم؟**

**مقدمه:**

## آشنایی با سوره

**در این سوره به انجیر و زیتون و طور سینا قسم خورده شده است. تین و زیتون، نام دو میوه است، یا به درخت این دو میوه قسم خورده شده، و به قول بعضی ها نام دو کوهی است که دمشق و بیت المقدس بر آن استوار گشته و رمز سوگند یاد کردن به این دو کوه و به طور سینا آن است که این سه جا، خاستگاه و محل بعثت بسیاری از پیامبران بوده است. در کنار این سه قسم، به مکه هم سوگند یاد شده، که محل بعثت پیامبر اسلام است. بعد از همه اینها، سخن از انسان و آفرینش او و ایمان و عمل صالحش می باشد و اینکه در اثر بی تقوائی، انسان به پست ترین جایگاهها هم سقوط می کند مگر مؤمنان صالح. در سال سوم بعثت در مکه نازل شده (بعد از سوره بروج) و 7 آیه دارد.**

**چرا قرآن به زيتون و انجير قسم ياد كرده است؟**

**آيا به خاطر فوايد غذايي آنهاست؟**

**چرا اين دو ميوه كنار هم آمده است؟**

**پرسش را در سه بخش بررسي مي ‌كنيم:**

**اول: حكمت و فلسفه‌ سوگند در قرآن؛**

**اول: چرا خداوند سوگند ياد كرده است؟**

**مفسّران و صاحب‌ نظران علوم ‌قرآني دلایل متعددي را براي قسم‌هاي قرآن بر شمرده ‌اند كه با بررسي آنها مطلب روشن مي ‌گردد:**

1. **۱. برخي قائلند سوگندهاي قرآن به خاطر نشان دادن عظمت و تأكيد بر مطلبي است كه بعد از قسم مي ‌آيد. يعني اين مطلبي كه دنباله آيات معمولاً بيان مي ‌كند؛ مطلب مهمي است.****[[1]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn1)**
2. **۲. حكمت دوم قسم‌هاي قرآن اين است كه گاهي خداوند مي‌ خواهد عظمت آن مطلبي را كه به آن سوگند ياد كرده، نشان دهد.****[[2]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn2)**

**همچنین سوگندهاي قرآن فكر و عقل انسان را توسعه مي ‌دهد؛ در واقع تمام هستي را جولانگاه فكر بشر قرار می ‌دهد و وي را در عالم محسوسات، مادي و عالم غيب به پرواز درمي ‌آورد؛ زمين، خورشيد، ستارگان، كهكشان‌ها و حتي انجير و زيتون را در برابر فكر او عرضه مي‌ كند تا همه و همه را مورد مطالعه قرار دهد و با تحقيق و دقّت آنها را بررسي كند.****[[3]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn3)**

1. **۱. احتمال دارد که در سوگندهاي قرآن «رَب» در تقدير است، يعني «والفجر» در اصل «رب ‌الفجر» بوده، يعني سوگند به پروردگار سپيده دم و اصولاً هر جا خداوند به امور مادي قسم مي ‌خورد يك «رب» در تقدير است. مثلاً سوگند به پروردگار خورشيد، سوگند به پروردگار ماه و... .**

**در نتیجه می ‌توان اين سه احتمال را با هم جمع کرد، زيرا با هم منافاتي ندارند، به هرحال سوگندهاي قرآن هم اشاره به عظمت مطلبي كه به آن قسم یاد شده و هم عظمت مطلبي كه برايش قسم خورده دارد و هم بر عظمت خالق آنها ناظر است. بنابراين قسم‌ها و سوگندهاي قرآن براي اثبات راستگويي خداوند تبارك و تعالي نيست؛ بلكه براي نشان دادن عظمت اينگونه مطالب و اهميت آنهاست.**

**دوم: چرا خداوند به انجير و زيتون قسم خورده است؟**

**يكي از قسم‌هاي قرآن، قسم به انجير و زيتون است كه مفسرين احتمالاتي در مورد اين دو قسم ذكر كرده ‌اند، مانند:**

**الف. مراد از «تين»، كوهستاني است كه «دمشق» ‌بر بلندي آن واقع شده؛ و منظور از «زيتون» كوهستاني است كه «بيت‌المقدس» بر بالاي يكي از كوه‌هايش بنا شده است و اطلاق نام دو ميوه‌ «انجير» و «زيتون» بر اين دو كوه، شايد براي اين بوده كه اين دو ميوه در اين دو منطقه مي ‌رويد و سوگندخوردن به اين دو منطقه هم شايد به خاطر اين بوده كه عده‌ بسياري از انبيا در اين دو منطقه مبعوث شده ‌اند.**

**ب: برخي «تين» و «زيتون» را اشاره به دو دوران حضرت آدم و حضرت نوح(علیهما السّلام) مي ‌دانند؛ چرا كه لباسي كه آدم و حوا در بهشت پوشيدند از برگ درختان انجير بود و در پايان طوفان نوح، شاخه‌ زيتوني از آب بيرون آمد كه نوح فهميد طوفان پايان ‌يافته است.**

**ج. در روايتي وارد شده كه «تين» مدينه و «زيتون» بيت المقدس است.****[[4]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn4) البته احتمالات ديگري در اين باره ذكر شده است.****[[5]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn5)**

**د: مقصود دو ميوه معروف می ‌باشد. اگر اين دو قسم را بر معناي ابتدايي آنها حمل كنيم يعني «انجير» و «زيتون» دو ميوه معروف؛ باز سوگند با معنايي است. زيرا انجير و زيتون داراي ارزش‌ غذايي فراواني است كه غذاشناسان و پزشكان فوائد بسياري را براي آنها بر شمرده ‌اند كه برخي از آنها را در اينجا مطرح می‌ کنیم:**

**زيتون**

**بي ‌شك تمامي ميوه ‌هایي كه خداوند منان آفريده، ارزشمند است، ولي نبايد ترديد كرد كه برخي از آنها از لحاظ ارزش و خاصيت غذايي، به نوعي بر ديگري برتري دارند؛ در اين ميان «زيتون» از جمله ميوه‌هایي است كه هم داراي خاصيت غذايي و هم ارزش دارویي و هم منبعي براي سوخت و ايجاد روشنایي است، از برگ و هستۀ آن نيز استفاده مي ‌شود.****[[6]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn6) به گفته‌ برخي متخصصين زيتون معجزه گراست و براي درمان بسياري از بيماري‌ ها از جمله درمان نقرس، تصلب شرائيين، فشار خون و دردهاي عصبي موثر است.**

**نكته قابل توجه اينكه در ميان مواد غذايي چه نباتي و چه حيواني، هيچ ماده‌ غذايي به اندازه‌ زيتون داراي «پتاسيم» نيست، و اگر بدانيم «پتاسيم» چيست؟ و چه نقشي در حفظ حيات ما دارد؟! خواهيم فهميد چرا بايد زيتون را مورد توجّه قرار داد.**

**به طور خلاصه، «پتاسيم» در سازندگي عضلات بدن و انرژي بدن موثر است و در ساختمان ترشحات غدد داخلي بدن به كار رفته است كه در حفظ نيروي فعال و نشاط زندگي لازم است و از طرفي كمبود «پتاسيم» در بدن، رشد را متوقف مي ‌سازد پلكها متورم مي‌شود و دستگاه تنفس دچار اختلال مي ‌شود.**

**«پتاسيم» در فعاليت و قدرت تصفيه و شستشوي سلول‌هاي كبدي، مؤثر است و موجب مي‌ گردد تا كبد مواد سمي، اوره و اسيداوريك را بهتر و بيشتر از خون گرفته خارج نمايد.**

**«پتاسيم» در قدرت دفعي كليه ‌ها نقش اساسي دارد و موجب فعاليت بيشتر كليه‌ ها و دفع مواد سمي از خون مي‌ گردد و بدين لحاظ «پتاسيم» را از داروها و درمان كننده بيماري ‌هاي كليه مي‌ دانند.**

**«پتاسيم» حتي در ساختمان گلبول‌هاي قرمز خون وجود دارد و در فعاليت و سازندگي و حفظ آن اثر دارد.**

**غير از پتاسيم ـ كه وجودش براي ادامه‌ حيات و حفظ تندرستي ما ضروري است ـ مواد معدني ديگري چون فسفر، كلسيم، منيزيم، آهن در زيتون وجود دارد كه هركدام نقش شگرف و سازنده‌اي در زندگي ما دارند.****[[7]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn7)**

**انجير**

**«انجير» نيز ميوه‌ اي است كه جنبه‌ دارويي فراواني دارد و چيز زائدي ندارد و تمامش خورده مي ‌شود غذاي لطيف و سريع ‌الهضم است و لينت طبع مي‌ آورد، بلغم را تحليل مي ‌دهد و كليه‌ ها را پاك و سنگ مثانه را از بين مي ‌برد و راه كبد و سپرز را باز مي ‌كند و بدن را فربه مي ‌سازد.****[[8]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn8)**

**«انجير» داراي مواد و تركيبات غذايي و دارويي سبك و خوشخوراك است كه تازه و خشك آن، گوشت و هسته و پوستش براي همه و هر سني قابل استفاده و گواراست.****[[9]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn9)**

**و در روايتي از امام رضا(علیه السّلام) آمده است: «انجير بوي دهان را مي ‌برد، لثه‌ها و استخوان‌ها را محكم مي ‌كند، مو را می ‌رویاند، درد را بر طرف مي ‌سازد و با وجود آن نياز به دارو نيست و همچنين مي ‌فرمايد: انجير شبيه ‌ترين میوه به ميوه‌ بهشتي است.»****[[10]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn10)**

**انجير حاوي مقدار زيادي «فسفر» مي ‌باشد كه در تقویت هوش و حافظه بسيار موثر است نيز سرشار از «پتاسيم» كه براي سلامتي كودكان ضعيف و كم ‌خون و بي‌ اشتها مفيد مي ‌باشد، مقدار قابل توجهي، كلسيم دارد، كه هم سازنده خون و استخوان و هم در ايجاد عضلات بدن و نيروي اعصاب و افزایش قدرت جسماني مؤثر است. امروزه كارخانجات بزرگ داروسازي، از مواد موجود در انجير و خواص حياتي آن براي ساخت داروهاي لازم جهت درمان و دفع سموم بدن استفاده مي‌ كنند.****[[11]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftn11)**

**بنابراين:**

**با در نظر گرفتن كلام مفسرين و صاحب ‌نظران و توجه به فوائد غذايي سرشار «زيتون» و «انجير» مي ‌توان گفت: قرآن با سوگند به اين دو ميوه توجه و حس كنجكاوي انسان را نسبت به اين دو غذا جلب كرده است و شاید يكي از حكمت‌هاي مهم سوگند قرآن به اين دو ميوه به اهميت و ارزش غذايي آن باشد.**

**سوم : چرا نام اين دو ميوه با هم آمده است؟**

**وقتی یکی از معجزات قرآن باعث مسلمان شدن یک تیم تحقیقاتی ژاپنی می  شود**

**خداوند در سوره "تین"(انجیر) به این میوه قسم خورده است و دانشمندان دین‌پژوه می‌گویند، احتمالاً علت آن است که انجیر، یکی از میوه‌های همه چیز تمام است و کلکسیونی از املاح و ویتامین‌ها دارد؛لذا مورد توجه خاص قرآن قرار گرفته است. اما این سوگند، ویژگی ظریف دیگری هم در بر دارد که موجب مسلمان شدن یک تیم تحقیقاتی ژاپنی شده است . قصه از اینجا شروع شد که یک گروه پژوهشی ژاپنی، در بین مواد خوراکی به دنبال منبع پروتئین خاصی بودند که به میزان کم، درمغز انسان و حیوانات تولید می‌شود. این پروتئین، کاهش دهنده کلسترول خون ومسئول تقویت قلب و شجاعت انسان است و بازتولیدش بعد از ۶۰ سالگی تعطیل می‌شود.**

**ژاپنی ها فهمیدند که این ماده فقط در انجیر و زیتون موجود است و برای تامین آن، باید انجیر و زیتون را به نسبت یک به هفت مصرف کرد. بعد از ارائه این نتیجه یکی از قرآن پژوهان مصری نامه‌ای به این تیم تحقیقاتی می‌نویسد و اعلام می‌کند که در کتاب مقدس مسلمانان، خداوند به انجیر و زیتون در کنار هم قسم خورده. نام انجیر فقط یک بار و نام زیتون هفت بار در قرآن آمده است!!!**

**انجیر یک بار در آیه ی اوّل تین آمده و به زیتون شش بار بطور مستقیم (99 انعام، 141 انعام، 11 نحل، 35 نور، 29 عبس، 1 تین) و یک بار بطور غیرمستقیم  (20 مؤمنون؛ درخت زیتون) اشاره شده است.**

**تفاسير مختلف از سوره التين**

### تفسیر المیزان

 **سوره تین، مکی است و هشت آیه دارد (8(**

**مراد از" تین" و" زیتون" و وجه تسمیه مکه به" الْبَلَدِ الْأَمِینِ**

**" وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ وَ طُورِ سِینِینَ وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ" بعضی «1» از مفسرین گفته اند: مراد از کلمه" تین" (انجیر) و" زیتون" دو میوه معروف است، که خدای تعالی به آنها سوگند یاد کرده، به خاطر اینکه در آنها فواید بسیار زیادی و خواص و منافعی سراغ داشته.**

**ولی بعضی (2)دیگر گفته اند: منظور از تین، کوهستانی است که دمشق بر بلندی آن واقع شده، و منظور از زیتون کوهستانی است که بیت المقدس بر بالای یکی از کوه هایش بنا شده، و اطلاق نام دو میوه انجیر و زیتون بر این دو کوه شاید برای این بوده که این دو میوه در این دو منطقه می روید، و سوگند خوردن به این دو منطقه هم شاید به خاطر این بوده که عده بسیاری از انبیا در این دو نقطه مبعوث شده اند. و بعضی دیگر احتمال هایی دیگر داده اند.**

**و مراد از" طُورِ سِینِینَ"، کوهی است که در آن خدای تعالی با موسی بن عمران تکلم کرد، که" طور سیناء" هم نامیده می شود، و مراد از" هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ" مکه مشرفه است، و بلد امینش خواند، چون امنیت یکی از خواصی است که برای**

**حرم تشریع شده، و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریع نشده، و این حرم سرزمینی است که خانه کعبه در آن واقع است، و خدای تعالی در باره آن فرموده:" أَ وَ لَمْ یَرَوْا أَنَّا جَعَلْنا حَرَماً آمِناً" «3»،**

### تفسیر نمونه

**این سوره در مکه**

**نازل شده و دارای 8 آیه است.**

**محتوی و فضیلت سوره تین**

**این سوره در حقیقت بر محور آفرینش زیبای انسان ، و مراحل تکامل ، و انحطاط او دور می زند، و این مطلب با سوگندهای پر معنائی در آغاز سوره شروع شده است ، و بعد از شمردن عوامل پیروزی و نجات انسان ، سرانجام با تاءکید بر مساءله معاد و حاکمیت مطلقه خداوند پایان می گیرد.**

**در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم ) آمده است : من قراءها اعطاه الله خصلتین : العافیه و الیقین ما دام فی دار الدنیا، فاذا مات اعطاه الله من الاجر بعدد من قراء هذه السوره صیام یوم !:**

**هر کس این سوره را بخواند خداوند دو نعمت را مادامی که در دنیا است به او می بخشد: سلامت و یقین ، و هنگامی که از دنیا برود به تعداد تمام کسانی که این سوره را خوانده اند ثواب یک روز روزه به عنوان پاداش به او می بخشد. <1> این سوره در مکه نازل و آیه و هذا البلد الامین که در آن سوگند به شهر مکه با اسم اشاره نزدیک یاد شده دلیل بر آن است .**

**در آغاز این سوره نیز به چهار سوگند پر معنی برخورد می کنیم که مقدمه برای بیان معنی پر اهمیتی است .**

**می فرماید: قسم به تین ، و زیتون (و التین و الزیتون.**

**و سوگند به طور سینین (و طور سینین <2>**

**و سوگند به این شهر امن و امان (و هذا البلد الامین**

**((تین )) در لغت به معنی انجیر و زیتون همان زیتون معروف است ماده روغنی مفیدی از آن می گیرند.**

**در اینکه آیا منظور سوگند به همین دو میوه معروف است یا چیز دیگر؟ مفسران سخنان گوناگونی دارند.**

**در حالی که بعضی آن را اشاره به همان دو میوه معروف می دانند که خواص غذائی و درمانی فوق العاده زیادی دارد، بعضی دیگر معتقدند که منظور از آن ، دو کوهی است که شهر دمشق و بیت المقدس بر آنها قرار گرفته ، چرا که این دو محل سرزمین قیام بسیاری از انبیاء و پیامبران بزرگ خدا است ، و این دو قسم با سوگندهای سوم و چهارم که از سرزمینهای مقدسی یاد می کند هماهنگ است .**

**بعضی نیز گفته اند نامگذاری این دو کوه بنام تین و زیتون به خاطر این است که بر یکی از آنها درختان انجیر می روید، و بر دیگری درختان زیتون .**

**بعضی نیز تین را اشاره به دوران آدم دانسته اند، چرا که لباسی که آدم و حوا در بهشت پوشیدند از برگ درختان انجیر بود ، و زیتون را اشاره به دوران نوح می دانند، زیرا در آخرین مراحل طوفان نوح کبوتری را رها کرد تا درباره پیدا شدن خشکی از زیر آب جستجو کند او با شاخه زیتونی بازگشت ، و نوح فهمید که طوفان پایان گرفته و خشکی از زیر آب ظاهر شده است (لذا شاخه زیتون رمز صلح و امنیت است )**

**بعضی نیز تین را اشاره به مسجد نوح که بر کوه جودی بنا شد می دانند**

**و زیتون را اشاره به بیت المقدس .**

**ولی ظاهر آیه در بدو نظر همان دو میوه معروف است ، اما با توجه به سوگندهای بعد مناسب دو کوه یا دو مرکز مقدس و مورد احترام می باشد.**

**لذا در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم ) می خوانیم که خداوند از میان شهرها چهار شهر را برگزید، و در باره آنها فرمود: و التین و الزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین : تین مدینه است و زیتون بیت المقدس و طور سینین کوفه و هذا البلد الامین مکه است . <3>**

**منظور از ((طور سینین )) ظاهرا همان طور سیناء است که مفسران آن را اشاره به کوه طور معروف که در صحرای سیناء است دانسته اند، و در آنجا درختان پر بار زیتون وجود دارد.**

**سینا را به معنی کوه پر برکت ، یا پر درخت ، یا زیبا، می دانند، و همان کوهی است که موسی به هنگام مناجات به آنجا می رفت .**

**بعضی نیز آن را کوهی در نزدیک کوفه و سرزمین نجف دانسته اند.**

**بعضی تصریح کرده اند که سینین و سیناء یکی است و معنای آن پر برکت است .**

**و اما ((هذا البلد الامین )) مسلما اشاره به سرزمین مکه است سرزمینی که حتی در عصر جاهلیت به عنوان منطقه اءمن و حرم خدا شمرده می شد، و کسی در آنجا حق تعرض به دیگری نداشت ، حتی مجرمان و قاتلان وقتی به آن سرزمین می رسیدند در امنیت بودند.**

**این سرزمین در اسلام اهمیت فوق العادهای دارد، حیوانات و درختان و پرندگان او، تا چه رسد به انسانها، از امنیت خاصی باید در آنجا برخوردار باشند. <4>**

**این نکته نیز قابل دقت است که واژه تین در قرآن مجید تنها در اینجا ذکر شده ، در حالی که کلمه زیتون شش بار صریحا در قرآن مجید آمده ، و یک بار هم به صورت اشاره ، در آنجا که می فرماید و شجره تخرج من طور سیناء تنبت بالدهن و صبغ للاکلین و درختی که از طور سینا می روید و از آن روغن و نانخورش برای خورندگان فراهم می گردد (مؤ منون – 20)**

**و هر گاه این دو قسم (تین و زیتون ) را بر معنی ابتدائی آنها حمل کنیم یعنی انجیر و زیتون معروف ، باز سوگند پر معنائی است زیرا:**

**انجیر دارای ارزش غذائی فراوانی است و لقمهای است مغذی و مقوی برای هر سن و سال و خالی از پوست و هسته و زوائد.**

**غذا شناسان می گویند:**

**از انجیر می توان بعنوان قند طبیعی جهت کودکان استفاده نمود، ورزشکاران و آنها که گرفتار ضعف و پیری اند می توانند از انجیر برای تغذیه خود استفاده کنند.**

**می گویند افلاطون به قدری انجیر را دوست می داشت که بعضی آن را دوست فیلسوفان نامیده اند، و سقراط انجیر را جذب کننده مواد نافع و دفع**

**کننده مضار می دانسته .**

**((جالینوس )) رژیم مخصوصی از انجیر برای پهلوانان تنظیم کرده بود، به پهلوانان روم و یونان قدیم نیز انجیر داده می شد.**

**دانشمندان غذاشناس می گویند انجیر سرشار است از ویتاءمین های مختلف و قند، و در بسیاری از بیماریها از آن به عنوان یک دارو می توان استفاده کرد، مخصوصا هر گاه انجیر و عسل را به طور مساوی مخلوط کنند برای زخم معده بسیار مفید است ، خوردن**

**انجیر خشک فکر را تقویت می کند، خلاصه به علت وجود عناصر معدنی در انجیر که سبب تعادل قوای بدن و خون می گردد انجیر را غذای هر سن و شرائطی معرفی کرده اند.**

**در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (علیهماالسلام ) آمده است التین یذهب بالبخر و یشد الفم و العظم ، و ینبت الشعر، و یذهب بالداء و لا یحتاج معه الی دواء و قال (علیه السلام ): التین اشبه شی ء بنبات الجنه :**

**انجیر بوی دهان را می برد ، لثه ها و استخوانها را محکم می کند، مو را می رویاند درد را برطرف می سازد، و با وجود آن نیاز به دارو نیست ، و نیز فرمود انجیر شبیه ترین اشیاء به میوه بهشتی است . <5> <6>**

**و اما در باره زیتون غذاشناسان و دانشمندان بزرگی که سالیان دراز از عمر خود را در راه مطالعه خواص گوناگون میوه ها صرف کرده اند برای زیتون و روغن آن اهمیت فوق العادهای قائلند، و معتقدند کسانی که می خواهند همواره سالم باشند باید از این اکسیر حیاتی استفاده کند.**

**روغن زیتون دوست صمیمی کبد آدمی ، و برای رفع عوارض کلیه ها**

**و سنگهای صفراوی ، و قولنجهای کلیوی ، و کبدی ، و رفع یبوست بسیار مؤ ثر است .**

**به همین دلیل از درخت زیتون به عنوان شجره مبارکه در قرآن مجید یاد شده است .**

**روغن زیتون نیز سرشار از انواع ویتاءمین ها است و دارای فسفور و گوگرد و کلسیوم و آهن و پتاسیوم و منگنز است .**

**مرهمهائی را که از روغن زیتون و سیر تهیه می شود**

**برای انواع دردهای رماتیسمی مفید دانسته اند، سنگهای کیسه صفرا وسیله خوردن روغن زیتون از بین می روند. <7>**

**در خبری از امیر مؤ منان علی (علیه السلام ) می خوانیم : ما افقر بیت یاتدمون بالخل و الزیت و ذلک ادام الانبیاء: خانه ای که در آن از سرکه و روغن زیتون به عنوان نان خورش استفاده می کنند هرگز خالی از طعام نمی شود، و این غذای پیامبران است . <8>**

**و در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (علیهماالسلام ) آمده است : نعم الطعام الزیت : یطیب النکهه ، و یذهب بالبلغم ، و یصفی اللون ، و یشد العصب ، و یذهب بالوصب ، و یطفی ء الغضب : روغن زیتون غذای خوبی است ، دهان را خشبو، و بلغم را برطرف می سازد، رنگ صورت را صفا و طراوت می بخشد، اعصاب را تقویت کرده ، بیماری و درد و ضعف را از میان می برد و آتش خشم را فرو می نشاند. <9> این بحث را با حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم ) پایان می دهیم ، فرمود:**

**کلوا الزیت و ادهنوا به فانه من شجره مبارکه : روغن زیتون را بخورید و بدن را با آن چرب کنید که از درخت مبارکی است . <10>**

**بعد از ذکر این قسمهای پر محتوای چهارگانه به جواب قسم پرداخته چنین می فرماید: مسلما ما انسان را در بهترین شکل و نظام آفریدیم (لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم**

**((تقویم )) به معنی در آوردن چیزی به صورت مناسب ، و نظام معتدل و کیفیت شایسته است ، و گستردگی مفهوم آن اشاره به این است که خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید، هم از نظر جسمی ، و هم از نظر روحی و عقلی ، چرا که هر گونه استعدادی را در وجود او قرار داده ، و او را برای پیمودن قوس صعودی بسیار عظیمی آماده ساخته ، و با اینکه انسان جرم صغیری است ، ((عالم کبیر)) را در او جا داده و آنقدر شایستگیها به او بخشیده که لایق خلعت و لقد کرمنا بنی آدم ما فرزندان آدم را کرامت و عظمت بخشیدیم (سوره اسراء آیه 70) شده است همان انسانی که بعد از اتمام خلقتش می فرماید: فتبارک الله احسن الخالقین پس بزرگ و پر برکت است خدائی که بهترین خلق کنندگان است !**

**ولی همین انسان با تمام این امتیازات اگر از مسیر حق منحرف گردد چنان سقوط می کند که به ((اسفل السافلین )) کشیده می شود، لذا در آیه بعد می فرماید سپس ما او را بپائینترین مراحل باز گرداندیم (ثم رددناه اسفل سافلین )**

**می گویند همیشه در کنار کوه های بلند دره های بسیار عمیق وجود دارد، و در برابر آن قوس صعودی تکامل انسان ، قوس نزولی وحشتناکی دیده می شود، چرا چنین نباشد در حالی که موجودی است مملو از استعدادهای سرشار که اگر در طریق صلاح از آن استفاده کند بر بالاترین قله افتخار قرار می گیرد، و اگر این همه هوش و استعداد را در طریق فساد به کار اندازد بزرگترین مفسده را می آفریند و طبیعی است که به اسفل السافلین کشیده**

**شود.**

**ولی در آیه بعد می افزاید: مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند که برای آنها پاداشی است قطع نشدنی (الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون ).**

**((ممنون )) از ماده من در اینجا به معنی قطع یا نقص است ، بنابراین غیر ممنون اشاره به پاداشی دائمی و خالی از هر گونه نقص است ، و بعضی گفته اند منظور خالی از منت بودن است اما معنی اول مناسب تر به نظر می رسد.**

**بعضی جمله ثم رددناه اسفل سافلین را به معنی ضعف و ناتوانی و کم هوشی فوق العاده دوران پیری تفسیر کرده اند، ولی در این صورت با استثناء آیه بعد سازگار نیست ، بنابراین با توجه به مجموع آیات قبل و بعد همان تفسیر اول درست به نظر می رسد. در آیه بعد این انسان ناسپاس و بی اعتنا به دلائل و نشانه های معاد را مخاطب ساخته ، می گوید: چه چیز سبب می شود که تو بعد از این همه دلائل روز جزا را تکذیب کنی ؟! (فما یکذبک بعد بالدین)**

**ساختمان وجود تو از یکسو، و ساختمان این جهان پهناور از سوی دیگر، نشان می دهد که زندگی چند روزه دنیا نمی تواند هدف نهائی آفرینش تو و این**

**عالم بزرگ باشد.**

**اینها همه مقدمه ای است برای جهانی وسیعتر و کاملتر، و به تعبیر قرآن نشاه اولی خود خبر از نشاه اخری می دهد، چرا انسان متذکر نمی شود (و لقد علمتم النشاه الاولی فلو لا تذکرون ) (واقعه 62)**

**عالم گیاهان پیوسته و در هر سال منظره مرگ و حیات مجدد را در برابر چشم انسان مجسم می سازند، و آفرینشهای پی در پی دوران جنینی هر کدام معاد و حیات مجددی محسوب می شود با این همه چگونه این انسان روز جزا را انکار می کند؟**

**از آنچه گفتیم روشن می شود که مخاطب در این آیه نوع انسان است ، و این احتمال که مخاطب شخص پیامبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم ) باشد و منظور این است که با وجود دلائل معاد چه کسی یا چه چیزی می تواند تو را تکذیب کند بعید به نظر می رسد.**

**و نیز روشن شد که منظور از ((دین )) در اینجا آئین و شریعت نیست بلکه همان جزا و روز جزا است ، آیه بعد نیز گواه بر این معنی است .**

**چنانکه می فرماید: آیا خداوند بهترین حکم کنندگان و داوران نیست ؟! (الیس الله باحکم الحاکمین ).**

**و اگر دین را به معنی کل شریعت و آئین بگیریم معنی این آیه چنین می شود: آیا خداوند احکام و فرمانهایش از همه حکیمانه تر و متقن تر نیست ؟ یا اینکه آفرینش پروردگار در مورد انسان از هر نظر آمیخته با حکمت و علم و تدبیر است . ولی چنانکه گفتیم معنی اول مناسب تر به نظر می رسد.**

**در حدیثی آمده است موقعی که پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم ) سوره و التین را تلاوت می فرمود وقتی به آیه ((الیس الله باحکم الحاکمین )) می رسید، می فرمود: بلی و انا علی ذلک من الشاهدین : ((آری خداوند احکم الحاکمین است و من بر این امر گواهم))**

**<12>**

**خداوندا! ما نیز گواهی می دهیم که تو احکم الحاکمینی .**

**پروردگارا! خلقت ما را در بهترین صورت قرار داده ای ، توفیقی مرحمت کن تا عمل و اخلاق ما نیز در بهترین صورت باشد.**

**بارالها! پیمودن راه ایمان و عمل صالح جز به لطف تو میسر نیست ، ما را در این راه مشمول الطافت فرما.**

**آمین یا رب العالمین**

### تفسیر مجمع البیان

**آشنایی با این سوره در برابر نود و پنجمین بوستان پرطراوت و زیبا ایستاده ایم. پیش از هر چیز به شناسنامه این سوره می نگریم:**

**1 - نام این سوره در این سوره خدای فرزانه به انجیر و زیتون، دو غذای جسمی انسان سوگند یاد می کند، و نیز به طور سینا و مکّه دو فرودگاه وحی موسی و محمد (ص)، و دو خاستگاه بعثت ها و نهضت های توحیدی و اصلاحی و آزادیخواهانه و طلوع پیامبران خدا. نام این سوره نیز از نخستین سوگند و نخستین واژه این سوره، یعنی «تین» برگرفته شده است.**

**2 - فرودگاه این سوره این سوره در مکه، پس از سوره «بروج» و در سال سوم از بعثت بر جان نورانی پیامبر فرود آمده است. پاره ای نیز آن را «مدنی» شمرده اند، اما دیدگاه نخست بهتر به نظر می رسد، چرا که آیه «و هذا البلد الأمین» نشانگر اشاره به نزدیک است که مکّه باشد.**

**3 - شمار آیه های و واژه های آن این سوره از 7 آیه، 34 واژه، و 150 حرف پدید آمده است.**

**4 - پاداش تلاوت آن**

**از پیامبر گرامی آورده اند که فرمود:**

**من قرأها اعطاه اللَّه خصلتین: العافیه والیقین مادام فی دارالدنیا، فاذا مات اعطاه اللَّه**

**من الاجر بعدد من قراء هذه السّوره صیام یوم.(205)**

**هر کس این سوره را بخواند خدا دو نعمت را در روزگاری که در دنیا زندگی می کند به او می بخشد، که عبارتند از سلامت و یقین، یا سلامت جسم و جان. و هنگامی که از دنیا برود به شمار همه کسانی که این سوره را تلاوت کرده اند، پاداش یک روز روزه را به او می بخشد.**

**از آن حضرت آورده اند که: در نماز مغرب خویش این سوره را می خواند و به گونه ای آن را تلاوت می کرد که به بیان «ابن عازب» کسی زیباتر از آن حضرت تلاوت نمی کرد.**

**از امام صادق آورده اند که می فرمود: و من قراء والتین فی فرائضه و نوافله اعطی من الجنه حیث یرضی.(206)**

**کسی که سوره «تین» را در نمازهای واجب و نافله هایش بخواند، خدا هر کجای از بهشت را که او دوست بدارد، به وی ارزانی داشته و او را گرامی می دارد.**

**گفتنی است که این پاداش، نه برای تلاوت و حفظ آیات و چاپ و نشر این سوره، بلکه در گرو اندیشه درست و بیان درست و روشن بینانه مفاهیم بلند قرآن و از همه مهم تر آراستگی به ایمان و آگاهی و عمل به مقررات خدا و رعایت حقوق انسان هاست، نه تلاوت سوداگرانه و یا به دور از خرد و عمل شایسته.**

**5 - دورنمایی از محتوای این سوره در این سوره و آیات هشت گانه آن این بحث ها به تابلو رفته است:**

**1 - چهار سوگند بسیار اندیشاننده،**

**2 - رمز این سوگندها،**

**3 - آفرینش شگفت انگیز انسان،**

**4 - مراحل اوج و رشد انسانها،**

**5 -**

**مراحل واپسگرایی و انحطاط انسان،**

**6 - راز آن صعود و رمز این سقوط،**

**7 - موضوع معاد و جهان پس از مرگ و فرمانروایی و داوری خدا.**

**و نکات ظریف و جان پرور دیگری که خواهد آمد.**

**1 - سوگند به انجیر و زیتون،**

**2 - و به طور سینا،**

**3 - و به این شهر امن [وامان ،**

**4 - که به راستی [ما] انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم؛**

**5 - سپس او را به فروترین [مراحل فروتری باز گردانیدیم؛**

**6 - مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، که مزدی پایان ناپذیر دارند.**

**7 - پس [ای انسان!] چه چیز تو را پس از این [همه دلیل روشن به دورغ شمردن [روز] پاداش و کیفر وامی دارد؟!**

**8 - آیا خدا بهترین داوران نیست؟!**

**نگرشی بر واژه ها**

**تین: انجیر.**

**زیتون: همان دانه های روغنی است که آن ماده معروف را از آن می گیرند.**

**سینین: به معنی کوه پر دار و درخت، کوه پربرکت، کوه زیبا، فرودگاه وحی موسی و نیایشگاه آن حضرت است.**

**تقویم: به معنی درآوردن پدیده ای به صورت معتدل، شایسته و بایسته و در خور آن، آمده است. هنگامی که گفته می شود: «قوَّمَهُ فاستقام و تقوّم» منظور این است که: آن پدیده را سنجید و اعتدال بخشید، پس آن پدیده معتدل و موزون و استوار گردید.**

**ممنون: از ماده «مَنّ» به معنی قطع آمده، و آن گاه که با واژه «غیر» باشد، منظور پاداشی است پاینده و کامل و گسست ناپذیر و بدون عیب و نقص. پاره ای نیز آن را به معنی پاداش بدون منت گرفته اند.**

**تفسیر**

**آفرینش زیبا و شگفت آور انسان این سوره مبارکه با سوگندهایی شگفت و بسیار اندیشاننده آغاز می گردد تا پس از چندین سوگند انسان های خردمند و خردورز را به حقایق بزرگ و سرنوشت سازی توجه دهد.**

**نخست می فرماید:**

**وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ**

**سوگند به انجیر و زیتون دو غذای جسمی انسان،**

**به باور گروهی از مفسران پیشین در این آیه، خدا به همان انجیری که می خورند سوگند یاد می کند، و از پی آن به «زیتون»، همان چیزی که روغن زیتون را از آن می گیرند. این چیزی است که از ظاهر واژه ها دریافت می گردد.**

**آری، در این آیه به «انجیر» سوگند یاد می شود، چرا که میوه ای است پاک و پاکیزه از پوست و هسته و مواد زائد، دارای ارزش بسیار غذایی و دارویی برای انسان، و در آفرینش آن شگفتی های بسیاری است. خدا آن را در اندازه هایی خاص و رنگ های متنوع و به صورت و اندازه لقمه ای پر از مواد غذایی و دارویی برای انسان، و به عنوان نعمتی برای بندگان پدید آورده است.**

**«ابوذر» از پیامبر آورده است که فرمود: لو قلت ان فاکهه نزلت من الجنه لقلت هذه هی... اگر می خواستم بگویم میوه ای از بهشت فرود آمده است، انجیر را نشان می دادم، چرا که بسان میوه های بهشت بدون هسته و دانه است؛ از آن بهره ور گردید که برای سلامتی انسان سودبخش است و ریشه کن کننده برخی از بیماری ها است.**

**و نیز در این آیه به «زیتون» سوگند یاد می شود؛ همان چیزی که سرشار از ویتامین ها و آکنده از مواد غذایی و خواصّ دارویی است و چون خورشی است برای غذا.**

**به باور «قتاده» واژه «تین» نام کوهی است در شام که شهر دمشق بر دامنه آن ساخته شده، و «زیتون» نیز نام کوهی است در فلسطین که «بیت المقدس» در آن بنیاد گردیده است.**

**و به باور «عکرمه» این دو واژه، نه نام دو میوه و دانه، بلکه نام دو کوهی است که از درخت انجیز و زیتون پوشیده اند. از دیدگاه برخی منظور از واژه «تین» مسجد دمشق می باشد، و منظور از «زیتون»، بیت المقدس.**

**واز دیدگاه «ضحاک» واژه «تین» در مورد مسجد الحرام به کار رفته است و «زیتون» در مورد مسجد الاقصی.**

**در سوگند سوم می فرماید:**

**وَ طُورِ سِینِینَ**

**سوگند به طور سینا،**

**در تفسیر آیه دیدگاه ها متفاوت است:**

**به باور «حسن» منظور همان کوهی است که خدا در آنجا با موسی سخن گفت و او را به رسالت برگزید. با این بیان واژه «سینین» و «سینا» به یک معنی آمده اند.**

**اما از دیدگاه برخی این واژه به معنی برکت و مبارک آمده و وصف می باشد و منظور این است که به آن کوه پربرکت سوگند.**

**«عکرمه» می گوید: منظور کوه پرگیاه و درخت است و «مقاتل» آن را به کوه پوشیده از درخت میوه معنی می کند.**

**«عمروبن میمون» آورده است که: «عمر» در مکّه این سوره را در نماز مغرب می خواند و به باور من در این اندیشه بود که بدین وسیله شکوه و حرمت مکّه را اعلام دارد. این مطلب از امام کاظم نیز روایت شده است.**

**و در آخرین سوگند در این سوره می فرماید:**

**وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ.**

**و سوگند به این شهر امن و امان و به**

**فرودگاه وحی محمد (ص).**

**آری، سوگند به شهری که شهر امن و امان است و هر ترسان و وحشت زده ای در پناه خداوند کعبه در روزگار جاهلیت و اسلام احساس امنیت می کند، و هر کس در آن وارد گردد در ا مان است.**

**پاره ای واژه «امین» را به معنی امان دهنده و امنیت بخش گرفته اند.**

**اولم یروا انا جعلنا حرماً آمناً...(207)**

**آیا ندیده اند که ما برای آنان حرمی امن و امان قرار دادیم...**

**و شاعر نیز واژه «امین» را به معنی امنیت بخش به کار برده است که می گوید:**

**الم تعلمی یا اسم ویحک اننی حلفت یمیناً لااخون امینی هان ای «اسماء»! وای بر تو، آیا نمی دانی که من سوگند یاد کرده ام که به امان دهنده ام خیانت نکنم.**

**پس از سوگندهای بیدارگری که آمد، اینک در جواب آنها می فرماید:**

**لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ.**

**به راستی که ما انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم.**

**به باور گروهی از جمله «مجاهد» این آیه جواب سوگندهای چهارگانه است و منظور از انسان، همه انسانها می باشند و بدین وسیله روشنگری می گردد که خدا تمامی انسان ها را در زیباترین و نیکوترین سیما و سیرت پدید آورد و نظام بخشید.**

**به باور «ابن عباس» منظور این است که: ما انسان را با قامتی پدید آوردیم، که بر روی دو پا و سربلند راه می رود و دیگر حیوانات بر روی چهار دست و پا و سر به زیر.**

**اما به باور پاره ای دیگر منظور این است که خدا انسان را در بهترین و نیکوترین قامت واعضا و اندام ها و دستگاه های جسمی، و بهترین شرایط روحی و معنوی و روانی پدید**

**آورد و به او نعمت خرد و اندیشه و بیان و قدرت مدیریت و نظام ارزانی داشت و بدین وسیله او را از دیگر جانداران ممتاز گردانید.**

**گفتنی است که آیه شریفه اشاره به دوران جوانی و بهاران زندگی انسان ها دارد.**

**آن گاه می افزید:**

**ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ**

**سپس او را به پست ترین مراتب پستی باز می گردانیم.**

**از دیدگاه گروهی از مفسران منظور بازگشت انسان به روزگار پیری و ناتوانی و پایین ترین مرحله زندگی است، که انسان هم نیروی جسمی را از دست می دهد، و هم نیروی فکری را؛ چرا که واژه «سافل» در مورد افراد ناتوان، زمین گیر، کهنسال، بیمار و کودکان بی دفاع به کار می رود.**

**اما به باور گروهی دیگر از جمله «مجاهد»، «جبایی» و... منظور این است که: سپس او را به سوی فروترین و پایین ترین طبقات و درکات دوزخ بر می گردانیم، چرا که ما اینان را در بهترین و نیکوترین صورت و سیرت آفریدیم و از نعمت خرد و آزادی بهره ور ساختیم، آن گاه بهترین برنامه زندگی را به سویشان فرستادیم، اما آنان کفر ورزیدند و اصلاح نپذیرفتند، به همین جهت ما نیز آنان را در زشت ترین صورت به سوی فروترین طبقه دوزخ باز می گردانیم.**

**در آیه بعد می افزاید:**

**إِلاَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ.**

**مگر آن کسانی که به راستی ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند...**

**آری، آن کسانی که به راستی یکتایی خدا و رسالت پیامبرش را گواهی کنند، و خدای را خالصانه بپرستند و فرمان برند، اینان مردمی هستند که سرنوشت دیگری دارند و به سوی آتش نخواهند رفت.**

**طرفداران**

**دیدگاه نخست برآنند که اگر انسان به راستی ایمان آورد و کارهای شایسته انجام دهد، چنین کسی گر چه عمری دراز داشته باشد، به خرفتی و فروترین مرحله عمر و از دست دادن نیروی خرد و اندیشه باز نمی گردد.**

**پاره ای گفته اند: هنگامی که انسان با ایمان به گونه ای پیر شد که دیگر توان انجام عبادت و کارهای شایسته را نداشت، برای او بسان عملکرد دوران توانایی اش نوشته می شود.**

**فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ**

**و برای اینان پاداشی پاینده و گسست ناپذیر خواهد بود.**

**به باور «عکرمه» منظور این است که کسانی از مردم باایمان و شایسته کردار که به پایین ترین مرحله پیری و ناتوانی برسند، هنگامی که کاری شایسته نیت کنند و در حد توان عمل نمایند، برای آنان عملکرد و پاداشی بسان بهترین عملکرد دوران جوانی شان نوشته می شود و پاداشی هماره و بدون منت خواهند داشت.**

**از «ابن عباس» آورده اند که: آن کسی که در زندگی با قرآن آشنا باشد و آن را تلاوت کند و با آیات آن همدم باشد و عمل کند، خدا او را به پست ترین مرحله عمر باز نمی گرداند؛ چرا که می فرماید: الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات.... که منظور «الا الذین قرأوا القران» است.**

**از پیامبر آورده اند که فرمود: کودک تا رسیدن به مرحله بلوغ و نوجوانی، هر کار شایسته ای انجام دهد به حساب پدر و مادرش نوشته می شود، و اگر به گناهی دست زد، نه چیزی به حساب او نوشته می شود و نه به حساب پدر و مادرش.**

**آن گاه که به نوجوانی رسید و قلم تکلیف بر او جریان یافت، خدا به دو فرشته همراه او فرمان می دهد که او را حفظ و ارشاد کنند. زمانی که به چهل سالگی رسید و ایمان راستین داشت، خدا او را از بلاهای سه گانه «جنون» «جذام» و «برص» در امان می دارد.**

**هنگامی که به پنجاه سالگی رسید، خدا از او به صورت آسان حساب می کشد، و آن گاه که به شصت رسید، او را به حقگرایی و توبه و اصلاح توجه می دهد. زمانی که به هفتاد رسید، آسمانیان او را دوست می دارند و آن گاه که به هشتاد سالگی گام نهاد، خدا کارهای شایسته او را ثبت و از گناهانش می گذرد.**

**هنگامی که به نود رسید، خدا گناه گذشته و آینده او را می آمرزد، و وی را شفاعتگر خاندانش می نگرد و در زمین او را «اسیر خدا» می شناسد. هنگامی که به پست ترین مرحله عمر رسید و دیگر گویی می خواهد پس از آن آگاهی، دیگر چیزی را به خاطر نیاورد، خدای مهربان برای او پاداش بهترین عملکرد دوران جوانی اش را می نویسد و اگر گناهی هم از او سر زد چیزی به حسابش نوشته نمی شود.**

**«ابوعلی» می گوید: اگر این روایت درست باشد، منظور این است که گناه او به خاطر زوال عقل و از کارافتادگی قدرت شناخت و درک او در آن مرحله از پیری است که در کارنامه زندگی اش نوشته نمی شود، وگرنه انسان خردمند و آزاد مسئول گفتار و عملکرد خویش است.**

**در تفسیر «غیر ممنون» دیدگاه ها متفاوت است:**

**1 - به باور پاره ای منظور پاداشی است بدون کاستی و نقصان.**

**2 - اما به باور پاره ای دیگر، به معنی پاداشی فراوان و بی شمار و بی حساب آمده است.**

**3 - و از دیدگاه «جبایی» منظور پاداشی است**

**خالص و شفاف و بدون چیزی که دریافت دارنده را آزرده سازد.**

**در هفتمین آیه مورد بحث در پرسشی سرشار از هشدار می فرماید:**

**فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ پس ای انسان! چه چیزی پس از این همه دلیل ها و برهان ها در یکتایی خدا، آمدن رستاخیز، تردیدناپذیر بودن حساب و کتاب و بهشت و دوزخ، تو را به دروغ شمردن روز جزا وامی دارد؟**

**به باور گروهی از جمله «ابومسلم» منظور این است که: هان ای انسان! چه چیزی پس از این همه دلیل و برهان باعث شد تا روز پاداش و کیفر را تکذیب کنی؟ و در مورد ولادت خویش، دوران کودکی، جوانی و پیری نیندیشی و درس عبرت نگیری؟ و به این واقعیت باریک نرسی که آفریدگار این همه دگرگونی ها و تحولات می تواند در آستانه رستاخیز بار دیگر مردگان را از دل خاک برانگیزد و زندگی بخشد و آن گاه از آنان حساب کشد و پاداش و کیفرشان بدهد؟ راستی چه عاملی تو را از این حقیقت دور ساخت؟**

**اما به باور «مجاهد» و... روی سخن در آیه با پیامبر می باشد و منظور این است که: پس از این همه دلیل و برهان بر درستی دین و آیین تو، دیگر چه کسی است که اسلام را دروغ شمارد؟ نه، دیگر هیچ دستاویز و بهانه ای برای انکار نیست.**

**و سرانجام می فرماید:**

**أَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحاکِمِینَ آیا خدای یکتا بهترین و نیکوترین داوران نیست؟**

**آیه شریفه گرچه به ظاهر و قالب پرسشی است، اما در اندیشه بیان این واقعیت است که: هان ای انسان! با همه وجود ایمان بیاور و اعلام نما که ذات بی**

**همتای خدا در آفرینش او و کارهایش نه ذره ای ناهماهنگی و بی هدفی به چشم می خورد ونه بی نظمی و تزلزل؛ پس چنین ذات فرزانه و حکیمی با این نظام حکیمانه اش چگونه می پندارید که جهان را بی هدف آفریده و انسان را عبث و بیهوده رها کرده، و پاداش و کیفر و محاسبه ای در کار نخواهد بود؟**

**مقاتل» می گوید: منظور این است که: هان ای محمد! آیا خدا بهترین داوران نیست تا میان تو و کفرگرایان داوری کند؟**

**و «قتاده» آورده است که: پیامبر گرامی هر گاه این سوره را تلاوت می کرد، می فرمود: آری، خدا نیکوترین داوران است، و من بر این واقعیت گوا هی می دهم و در شمار گواهانم. و انا علی ذلک من الشاهدین.(208)**

**بار خدایا! ما را در گزینش راه ایمان و عمل شایسته یاری فرما.**

### تفسیر نور

**طور سینین، همان وادی سینا میان مصر و فلسطین امروزی است.**

**در برخی روایات، به قرینه <<طور سینین>> و <<البلد الامین>> که اشاره به دو مکان مقدس است، آمده است که مراد از <<التین و الزیتون>> نیز محلّ رویش این دو میوه می باشد و ایه را اشاره به شهرهای مدینه و بیت المقدس دانسته اند.<891>**

**در میان خوردنی ها، میوه ها و در میان آنها میوه های قنددار و چربی دار برای سوخت و ساز بدن بیشتر مورد نیاز است. <<التین و الزیتون>>**

**از امتیازات اسلام داشتن سرزمین امن است حتی برای گیاهان و حیوانات. <<البلد الامین>>**

**نام انجیر یکبار و زیتون، شش بار در قرآن آمده است و هر دو دارای خواص غذایی و درمانی فراوانی هستند. انجیر برای هر سن و سالی به خاطر قندی که دارد مفید است. ورزشکاران و کسانی که دچار ضعف و پیری هستند به خوردن آن سفارش شده اند. بر اساس برخی روایات، انجیر ميوه ای بهشتی است و در طبّ قدیم، معجون انجیر و عسل برای زخم معده و انجیر خشک برای تقویت فکر سفارش شده است.**

**امام رضاعلیه السلام فرمود: انجیر بوی دهان را می برد، لثه ها و استخوان ها را محکم می کند، مو را می رویاند، درد را برطرف می سازد و مثل دارو مؤثر است. زیتون، بلغم را برطرف می سازد، رنگ صورت را صفا داده اعصاب را تقویت نموده، بیماری و درد و ضعف را از بین برد و آتش خشم را فرو می نشاند.<892>**

**در اینکه مراد از <<ثمّ رددناه اسفل سافلین>> چیست؟ مفسران دو نظر داده اند. یکی آنکه مراد، ضعف و سستی جسم در پیری است، چنانکه در آیه ای دیگر می فرماید:**

**<<و من نعمّره ننکّسه فی الخلق>><893> و دیگر آنکه مراد، دست برداشتن گروهی از انسانها از فطرت اولیه است که خداوند در نهاد هر بشری قرار داده که هر کس چنین کند، خداوند او را در پست ترین جایگاه ها قرار می دهد و گرفتار شقاوت و عذاب می شود.**

**1- نعمت های دنیوی حتی خوردنی ها، قداست دارد و مورد سوگند الهی واقع شده اند. <<و التین و الزیتون>>**

**2- سلامتی که از طریق غذا بدست می آید و امنیّت مهمترین نیازهای مادی انسان است. <<التین و الزیتون... البلد الامین>>**

**3- قداست وحی به زمین ها نیز سرایت می کند. <<طور سینین>>**

**4- امنیّت شهر مکّه، دعای حضرت ابراهیم است که گفت: <<ربّ اجعل هذا بلداً آمنا>> و این دعا مورد استجابت واقع شد. <<هذا البلد الامین>>**

**5 - انسان در آفرینش بر همه موجودات برتری دارد. <<خلقنا الانسان فی احسن تقویم>>**

**6- خداوند بر آغاز و فرجام انسان حاکم است. <<خلقنا... رددنا>>**

**7- انسان در اصل خلقت پستی ندارد و سقوط او در طیّ مراحل زندگی واقع می شود. <<خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثمّ رددناه اسفل سافلین>>**

**8 - انسان که برترین مخلوق است. سقوطش نیز از همه موجودات پست تر است. <<احسن تقویم... اسفل سافلین>> (چنانکه در آیات دیگر نیز می فرماید: <<اولئک کالانعام بل هم اضلّ>><894>)**

**9- دوری از ایمان و عمل صالح سبب سقوط است و ایمان، عامل دوری از هر گونه پستی و نزول است. <<رددناه اسفل سافلین الاّ الّذین امنوا و عملوا الصالحات>>**

**10- با آنکه خداوند خالق انسان است و هرگونه بخواهد حق دارد با مخلوقش رفتار کند، امّا او بر اساس عدل، حکم می کند و بهترین داوران است. <<احکم الحاکمین>>**

**«والحمدللّه ربّ العالمین»**

 **پی نوشتها:**

**[[1]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref1) . تفسير نمونه، مکارم شیرازی، ج 27، ص 39.**

**[[2]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref2) . تفسير نمونه، ج 27، ص 39.**

**[[3]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref3) . سوگندهاي قرآن، ابوالقاسم رزاقي، ص 45.**

**[[4]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref4) . تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 606، حديث 4، به نقل از همان.**

**[[5]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref5) . ر.ك: تفسير نمونه، ج 27، ص 140.**

**[[6]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref6) . از معدود ميوه‌هایي است كه قرآن از آن نام برده است. نحل/ 11، مومنون/ 20.**

**[[7]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref7) . قسم‌هاي قرآن، ابوالقاسم رزاقي، ص 441.**

**[[8]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref8) . سفينه البحار، ج 1، ص 128، به نقل از سوگندهاي قرآن، ص 446.**

**[[9]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref9) . همان.**

**[[10]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref10) . كافي، ج 6، ص 258 و همچنين علامه مجلسي در بحارالانوار، ج 66، ص 184 روايات متعددي در مورد انجير آورده است.**

**[[11]](http://matquran.com/fa/Question/View/68250/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%82%D8%B3%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%8A%D8%AA%D9%88%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D8%B1%22%20%5Cl%20%22_ftnref11) . مكتب اسلام، سال11، ش9، ص60 و 61 به قلم دكتر محمدحسين حاجبي، به نقل از سوگندهاي قرآن رزاقي، ص 448.**

 **1))مجمع البیان، ج 10، ص 510.**

**(2) روح المعانی، ج 30، ص 173.**

**(3) مگر ندیدند که ما حرمی ایمن درست کردیم. سوره عنکبوت، آیه 67. 0**

**منابع : نرم افزار جامع تفسير نور**